

## روایت پژوهی ترک تحصیل دانش‌آموز دختر روستایی

میشم غلام پور\*

محسن آیتی\*\*

### چکیده

پژوهش حاضر باهدف کاوش دلایل ترک تحصیل یک دانش‌آموز دختر روستایی انجام گرفت. روش پژوهش حاضر کیفی با رویکرد روایت پژوهی می‌باشد. این پژوهش بر روی یک دانش‌آموز دختر روستایی که ترک تحصیل کرده، متمرکز شد. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های روایتی نیمه ساختاریافته و یادداشت میدانی استفاده شد. در فرآیند تحلیل از روش‌های تحلیل روایت‌ها و کدگذاری استفاده شده است. در تحلیل روایت‌ها از الگوی پارادایمی اشتراوس و کوربین (۱۹۹۰) کمک گرفته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مقوله مرکزی در ترک تحصیل این دانش‌آموز فقر محیطی (محیط خانوادگی و آموزشی روستا) می‌باشد، که تحت تأثیر عوامل متعددی چون: فقر اقتصادی، بی‌سوادی والدین، تبعیض جنسیتی، اشتغال دانش‌آموز در خانه، فاصله تا مدرسه و مختلط بودن مدرسه قرار دارد؛ همچنین زمینه‌هایی همچون: باورهای فرهنگی روستا، استفاده از سرباز معلم و تأثیر گروه همسالان در کنار شرایط علی بر پدیده مؤثر بوده‌اند. این عوامل تحت تأثیر ساختار متمرکز نظام آموزشی موجب ترک تحصیل دانش‌آموز می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** ترک تحصیل، دانش‌آموز، خانواده، روستا و نظام آموزشی

\* دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه بیرجند (نویسنده مسئول)،

Meysam.gholampoor@birjand.ac.ir

\*\* دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران، Mayati@birjand.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۲

## ۱. مقدمه

در دوران کنونی آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی هر کشور به شمار می‌رود که نقش بسیار اساسی در رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر کشور (بلوچ زهی، ۱۳۹۵) داشته؛ و در نگاهی گسترده‌تر موجب جامعه‌پذیری، ارتقای عدالت اجتماعی و همبستگی اجتماعی می‌شود (فرضی زاده و همکاران، ۱۳۹۵). اهمیت فزاینده مهارت‌ها و شایستگی‌ها در اقتصادهای پیشرو مورد توجه است که در این میان آموزش رسمی نقش مهمی در تحقق آن دارد (Calero & Choi, 2018). همواره دغدغه اصلی جامعه و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، جذب تمامی واجب‌التعلیم‌ها به نظام تربیتی و حفظ آن‌ها در نظام برای گذراندن مقاطع تحصیلی است (بلوچ زهی، ۱۳۹۵).

یکی از مهم‌ترین مسائل نظام‌های آموزش و پرورش در جهان پدیده "ترک تحصیل (Drop-out)" می‌باشد که همه‌ساله منابع مادی، معنوی و انسانی قابل توجهی از این بابت تلف شده (بلوچ زهی، ۱۳۹۵) و به عنوان چالشی مهم برای مدارس شناخته می‌شود (Iachini, 2016). ترک تحصیل زودهنگام یک حادثه‌ی "زودرس کاذب" است که باعث می‌شود نوجوانان زودتر از موعد درگیر نقش بزرگسالان شوند. به عبارت دیگر ترک تحصیلی زودهنگام مدرسه عبارت است از وضع دانش‌آموزی که پیش از پایان آخرین سال یک دوره آموزشی که در آن ثبت‌نام کرده است، آن دوره را ترک گوید (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۵)؛ به عبارتی ناکامی دانش‌آموز در اتمام یک دوره تحصیلی قبل از گرفتن مدرک آن دوره می‌باشد (دکرز و کلاسن، ۲۰۰۱؛ نقل در سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۵). ترک تحصیل نگرانی‌های بزرگی برای والدین، معلمان و حتی جامعه به‌عنوان یک کل به وجود می‌آورد (Englund et al, 2008)؛ به‌ویژه امروزه با پیشرفت تکنولوژی این نگرانی پیامدهای منفی زیادی برای دانش‌آموزان دارد (Day & Newburger, 2002). شواهد حاکی از آن است که همه‌ساله تعداد زیادی از دانش‌آموزان در حال ترک مقاطع مختلف تحصیل قبل از اتمام آن دوره می‌باشند (Mohd & Afa, 2014). چویی و کالرو (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان "افت تحصیلی در اسپانیا: تکامل در طول رکود بزرگ" به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزانی که دچار ترک زودهنگام تحصیل می‌شوند از فرصت اشتغال کمتری برخوردارند و در دوران رکود اقتصاد بیشترین زیان را متحمل می‌شوند.

ترک و افت تحصیلی موجب افسردگی (Quiroga et al, 2013)؛ پیشرفت اجتماعی کم (Ream & Rumberger, 2008)؛ مشاغل سخت (Farmer et al, 2003)؛ فساد اخلاقی و تحقیر

(بلوچ زهی و عبداللهی، ۱۳۹۵)؛ اتلاف سرمایه‌های اجتماعی (Archambault et al, 2009)؛ بیکاری و عدم مشارکت اجتماعی (علی بیکی و همکاران، ۱۳۹۶) و پایین آمدن اعتماد به نفس فرد (بلوچ زهی، ۱۳۹۵) می‌شود. ساهین و همکارانش (۲۰۱۶) در پژوهشی علل ترک تحصیل دانش‌آموزان ترکیه را؛ روابط والدین با فرزند در خانواده، مشکلات اقتصادی و مشکلات درون خانواده، نوع نگاه به تعلیم و تربیت، روابط کارکنان مدرسه با دانش‌آموزان و چگونگی تعامل معلم با دانش‌آموزان در درون کلاس؛ بیان کردند.

عوامل زیادی سبب ترک تحصیل یا عدم علاقه دانش‌آموزان به تحصیل می‌شود که برخی از آن‌ها عبارت از؛ عدم باور والدین به ضرورت تحصیل، تأکید بر ازدواج زودهنگام دختران، تبعیض میان فرزندان (فرضی زاده و همکاران، ۱۳۹۵؛ McCleary-Sills, 2015)؛ عوامل فرهنگی (Kabeer, 2011)؛ کم‌سواد یا بی‌سواد والدین، معاشرت با دوستان ناباب و کمبود امکانات آموزشی (بلوچ زهی، ۱۳۹۵)؛ فقدان پدر و اشتغال دانش‌آموز (اقدسی و زینال فام، ۱۳۹۱)؛ مشکلات رفتاری دانش‌آموز و مهاجرت والدین (Farmer et al, 2003)؛ ویژگی‌های مدرسه (Ream & Rumberger, 2008)؛ سطح خانواده (Choi & Calero, 2018)؛ وضعیت نامناسب اقتصادی خانواده، حمایت‌های نامناسب والدین از فرزندان (عاطفی و ابزار)، نوع ارتباط والدین با فرزندان و میزان ارتباط والدین با مدرسه (Englund et al, 2008)؛ خصوصیات فردی، تعاملات اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموز (Archambault et al, 2009) و ویژگی جسمانی دانش‌آموزان می‌باشند (Iachini, 2016). زمینه اجتماعی که دانش‌آموز در آن زندگی می‌کند از جمله عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان می‌باشد. به اعتقاد باهات (۲۰۰۳) نواحی روستایی در زمینه آموزش که یکی از زیرساخت‌های توسعه انسانی است دارای عقب‌ماندگی زیادی نسبت به مناطق شهری هستند.

از آنجاکه بیش از نیمی از جمعیت کشورهای در حال توسعه در روستاها زندگی می‌کنند (علی بیگی و حیدری، ۱۳۹۴)، نقش روستاییان در تحقق اهداف توسعه‌ای انکارناپذیر است (Bhuimail & Sampa, 2005). هر جامعه‌ای برای بقا و استحکام خود هنجارهایی برای پیروی افراد دارد، بخش مهمی از این هنجارها، فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگی است (امینی فسخودی، ۱۳۸۹). فرهنگ از مسائل تأثیرگذار بر هر جامعه‌ای است و دربرگیرنده اندیشه‌ها، هنجارها و ابعاد مادی است (Salamon, 2003). در این میان فرهنگ محلی برای ساکنان جوامع روستایی احساس هویت می‌آفریند (برنان، ۲۰۰۵؛ نقل در امینی فسخودی، ۱۳۸۹). به اعتقاد وبر (۲۰۰۸) افراد در پی اموری هستند که به لحاظ فرهنگی برای آن‌ها ارزش و

اهمیت داشته باشد و یک امر به دلیل ارتباطی که با ارزش‌های فرهنگی ما دارد برای ما مهم است (نقل در فرضی زاده و همکاران، ۱۳۹۵). بر اساس بسیاری از یافته‌ها روستائیان نگرش منفی نسبت به تحصیل و آموزش دارند (Sewell, 2006).

مشکل ترک تحصیل دانش‌آموزان در سنین مدرسه یکی از معضلات آموزش و پرورش کشور ما می‌باشد (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۵) که همه‌ساله خانواده‌های زیادی گرفتار این معضل می‌شوند. این مشکل در مناطق روستایی و کمتر توسعه‌یافته بیشتر مشهود است (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به فراهم شدن زمینه آموزش برای همه افراد در کشور اما هنوز پدیده ترک تحصیل در روستاها و به‌ویژه برای دختران از نمود بارزتری برخوردار است، که بیشتر آنها در فاصله ورود به مقطع متوسطه اول دچار ترک تحصیل زود هنگام می‌شوند. استان خراسان جنوبی به‌عنوان یکی از استان‌های مرزی و توسعه‌نیافته واقع در شرق کشور و به طبع آن شهرستان قائنات که یکی از شهرستان‌های این استان است؛ با این مشکل مواجه است.

ترک تحصیل دانش‌آموزان روستایی علل گوناگونی دارد که تاکنون در پژوهش‌های مختلف به آن پرداخته شده است. اما در این میان مقاله‌ای به بررسی روایت‌های افرادی که خود به طور مستقیم این چالش را تجربه کرده‌اند؛ پرداخته است. در این مقاله سعی شده با استناد به خاطرات یک دانش‌آموز دختر روستایی که خود مجبور به ترک تحصیل شده به بررسی علل ترک تحصیل این نوع دانش‌آموزان پرداخته شود.

## ۲. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر رویکرد جزو تحقیقات کیفی و ازلحاظ روش، مبتنی بر مطالعات روایت پژوهی می‌باشد؛ که به شیوه مطالعه زیست‌نگاری شده، انجام گرفته است. در مطالعه روایت پژوهی کانون توجه داستان‌های نقل شده توسط افراد می‌باشد (کرسول، ۱۳۹۶). این روش برای به تصویر کشیدن داستان‌ها یا تجارب زندگی یک نفر یا تعداد معدودی از افراد مناسب است. رویه‌های لازم برای انجام این پژوهش شامل تمرکز بر مطالعه یک یا دو نفر، گردآوری داده از طریق گردآوردن داستان‌های آنان، گزارش تجارب افراد و نظم‌دهی تقویمی معنای این تجارب می‌باشد (همان منبع). باید توجه داشت که روایت بازسازی واقعی زندگی نیست. بلکه تجارب زندگی پاسخ‌دهنده می‌باشد و با تجربیات و اقدامات کوتاه‌مدت ارتباط ندارد (Webster & Mertova, 2007). زندگی ما به‌طور عمیق در روایت‌ها

غوطه‌ور است. از نخستین روزهای عمر تا واپسین دم زندگی در دریایی از داستان‌ها و قصه‌ها غوطه‌ور هستیم (آقایی میبدی، ۱۳۹۲). شیوه زیست‌نگاری شکلی از مطالعه روایت پژوهی است که در آن پژوهشگر تجارب زندگی فرد دیگری را نوشته و ثبت می‌کند (کرسول، ۱۳۹۶).

در تحقیق روایی حاضر فرد شرکت‌کننده یک خانم روستایی باسن ۲۲ سال و از اهالی روستاهای شهرستان قائنات، استان خراسان جنوبی است که هم‌اکنون ساکن روستا می‌باشد. ترک تحصیل فاطمه در دوره ابتدایی و عدم ادامه تحصیل در مقطع راهنمایی (متوسطه اول) ملاک محقق برای انتخاب شرکت‌کننده بوده است.

ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق؛ مصاحبه روایی، مصاحبه نیمه ساختاریافته و مشاهدات میدانی (وضعیت زندگی) بوده است. این سه سویه سازی در گردآوری داده‌ها به اعتبار یافته‌های پژوهش کمک کرده است. پس از انجام مصاحبه روایی، از داستان کلی زندگی فاطمه در دوران تحصیل، محقق داستان‌های شرکت‌کننده را در یک توالی زمانی و بر اساس اصول روایت پژوهی کلاندینین و کانلی (۲۰۰۰) مبتنی بر تمرکز روایت بر سه عنصر زمان، مکان و تعاملات، بازداستان‌سرای کرد. سپس، این روایت کامل را به شرکت‌کننده بازگرداند تا در مورد آن نظر بدهد و چنانچه در مواردی سوءتفاهم و اشتباهی ایجاد شده است، در آن بازنگری شود. به این ترتیب، روایی تحقیق از طریق چک کردن مشارکت‌کننده (Member check) تأمین شد. همچنین جهت افزایش اعتبار یافته‌های پژوهش از روش همه‌جانبه‌نگری استفاده و یافته‌های حاصل در هر مرحله توسط نتایج تحقیقات هم‌راستا و پیشینه نظری موجود تبیین شد.

در جریان مصاحبه‌ها محقق با یادآوری نکات مصاحبه روایی و اطلاعاتی که قبلاً از خانواده فاطمه جمع‌آوری کرده بود به وی در یادآوری درست خاطرات گذشته و پاسخ به سؤالات کمک نمود. پس از آن مشارکت‌کننده ترغیب شد که بیش‌ازپیش در فرآیند تحقیق درگیر شود. در مصاحبه‌های بعدی که به صورت نیمه ساختاریافته بودند، محقق به طرح سؤالاتی پیگیر در ارتباط با مسئله تحقیق پرداخت. سؤالاتی از قبیل « شما فرمودید خانواده شما اجازه ندادند که برای ادامه تحصیل به مدرسه راهنمایی روستاهای مجاور بروید. در این رابطه چه دلایلی را علت این امر می‌دانید؟ آیا فقط مشکل تأمین هزینه تحصیل علت این امر بود؟»

در حین ملاقات با فاطمه، محقق برخی موارد را که در زندگی فاطمه و نحوه استنباط او می‌دید، در دفترچه خود یادداشت می‌کرد که بعدها از این موارد به‌عنوان یادداشت‌های میدانی برای غنای تحلیل خود استفاده کرد. همچنین محقق در مورد علاقه به کتاب‌خوانی شرکت‌کننده و تعداد کتاب‌هایی که بعد از ترک تحصیل خوانده، علاقه به خواندن روزنامه، حل جدول و دنبال کردن اخبار از رسانه ملی سؤالاتی پرسید که در فرآیند تحلیل به کمک محقق آمد. هشت ساعت مصاحبه حضوری با مشارکت‌کننده و همچنین ارتباط، گفت‌وگو و تبادل نظر دوستانه با شوهر و برادر مصاحبه‌شونده باعث شد که محقق و شرکت‌کننده در فرآیند تحقیق احساس نزدیکی و همکاری داشته باشند که از اصول روایت پژوهی است. محقق برای تحلیل داده‌ها از دو روش تحلیل روایتی و فرآیند کدگذاری استفاده کرد؛ در فرآیند تحلیل روایتی توانست داستان‌های پراکنده فاطمه را در قالب یک روایت کامل درآورد که بافت و شرایط زندگی او را به‌طور کامل قابل درک می‌سازد. در فرآیند تحلیل روایت‌ها به‌وسیله کدگذاری باز، محوری و منتخب، یافته‌های حاصل در قالب مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین بازنمایی شد. نمونه‌ای از فرآیند کدگذاری باز در شکل ۱ آمده است.



شکل ۱. نمونه‌ای از کدگذاری باز انجام شده در پژوهش

### ۳. نتایج پژوهش

فاطمه در روستایی از توابع بخش آفریز، شهرستان قائنات در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. خانواده او متشکل از ۷ نفر، شامل ۵ فرزند به همراه پدر و مادر بود. فاطمه دو خواهر و دو برادر دارد. وی سومین فرزند و دومین فرزند دختر خانواده می‌باشد. شغل پدر فاطمه کشاورزی است البته به گفته فاطمه در آن زمان پدرش بزرگر فردی بوده است. مادر فاطمه نیز خانه‌دار بوده و در کار کشاورزی و نگهداری چند دام که داشته‌اند به پدر کمک می‌کرده است. از نظر تحصیلات؛ پدر فاطمه بی‌سواد، مادر سواد نهضتی (دوره مقدماتی نهضت سوادآموزی)، برادر بزرگ‌تر احمد پایه چهارم ابتدایی، ناصر برادر کوچک فاطمه تا پایه دوم راهنمایی (نظام آموزشی قبل از سال ۱۳۹۱)، زهرا خواهر بزرگ فاطمه تا پایه سوم ابتدایی و خواهر کوچک او نسرين تا پایه دوم دبیرستان (متوسطه دوم) ادامه تحصیل داده‌اند.

فاطمه از دوران کودکی اول خود (قبل از هفت‌سالگی) خاطرات زیادی به یاد داشت و به بیان وی بیشتر اوقات از خواهر کوچک‌ترش نسرين که چهار سال بعد از او به دنیا آمده بود مراقبت کرده و گاهی به مادر در کارهای مزرعه و خانه کمک می‌کرده است. فاطمه در هفت‌سالگی پا به مدرسه‌ای که در روستای آن‌ها بود گذاشت. ترکیب خانواده او در آن زمان؛ متشکل از برادرش ناصر، خواهرش نسرين و پدر و مادر او بود؛ خواهرش زهرا که در پانزده‌سالگی با پسر همسایه‌اش ازدواج و در خانه شوهرش زندگی می‌کرد، برادرش احمد نیز در هجده‌سالگی با دخترعمویشان ازدواج کرده بود و در حین گذراندن خدمت سربازی در شهرستان سراوان، استان سیستان و بلوچستان بوده و پس‌از آن به روستای آفریز رفته تا در آنجا در مرغداری کار کند، برادرش ناصر نیز برای ادامه تحصیل مقطع راهنمایی (متوسطه اول) در مدرسه شبانه‌روزی، به مرکز بخش رفته بود و فقط آخر هفته‌ها ناصر به خانه می‌آمده که به گفته فاطمه میانه خوبی باهم نداشته‌اند و بیشتر باهم مشاجره می‌کردند.

دبستان روستای آن‌ها در آن زمان سازه‌ای آجری، متشکل از سه اتاق بوده است و به‌صورت چندپایه توسط دو معلم (یک آموزگار و یک مدیر آموزگار) اداره می‌شد. یک اتاق برای پایه اول و دوم، اتاقی برای پایه‌های سوم، چهارم و پنجم و اتاق دیگر برای دبیران بود.

فاطمه سال اول و دوم ابتدایی را در کلاس آقای رضایی (مدیر آموزگار دبستان) پشت سر گذاشت. وضعیت درسی فاطمه در این دو سال خوب بوده و تنها گلابه‌های معلم از وی تأخیرهای زیاد، شرکت نکردن پدر و مادر او در جلسات انجمن اولیا و مربیان و عدم

تحويل به موقع پول مشارکت والدین در اداره مدرسه بوده است. فاطمه می‌گفت "در روستای ما درس خوندن را امری بیهوده و مزاحم کمک بچه‌ها به والدین در انجام کارها می‌دونن؛ من هم مثل بیشتر بچه‌های اینجا مجبور بودم در تمام ایام مدرسم از آخرای زمستون تا اوایل تابستون (ماه‌های اسفند، فروردین، اردیبهشت و خرداد) که پدر مادرم باید صبح زود می‌رفتن تا به گوسفندای کوچیک شیر بدهن و شیر بقیه رو بدوشند؛ داخل خونه از خواهر کوچیکم مواظبت کنم، البته این مشکل من تنها نبود بیشتر همکلاسی‌هام مثل من مجبور بودن ساعت اول درس رو با تأخیر برن چون باید برای دُم کردن گوسفندان (فرآیند دوشیدن شیر گوسفندان) به پدر و مادرشون کمک کنن"

خانواده فاطمه در آن زمان از وضعیت مالی خوبی برخوردار نبوده و توان پرداخت هزینه‌های مدرسه او را نداشتند. فاطمه مجبور بود با لباس‌های کهنه به مدرسه برود و هر وقت همکلاس‌هایش لباس نو می‌گرفتند او خیلی خجالت‌زده می‌شده و حتی در مواقعی خانواده وی پول کتاب‌های سال آینده‌اش را نداشته بودند که با تأخیر تحويل مدرسه می‌داده‌اند. البته به گفته فاطمه در روستای آن‌ها به تحصیل دختران زیاد اهمیت نمی‌دادند و اعتقاد داشتند که دختران همین‌که خواندن و نوشتن را بیاموزند کافی است و تحصیل فرزندان پسر اهمیت بیشتری داشته است. فاطمه می‌گفت "همیشه پدر و مادرش برای تحصیل برادرش ناصر خیلی اهمیت قائل بودند و لوازم تحصیل او را زودتر و بهتر از وی مهیا می‌کردند."

سال بعد برای پایه سوم فاطمه به کلاس دیگری رفت. معلم پایه سوم و چهارم فاطمه آقای کریمپور آموزگاری تازه استخدام از شهرستان بیرجند بوده که در روستا بیتوته داشته است. به گفته فاطمه او خیلی خوب به درس بچه‌ها توجه می‌کرد و رابطه صمیمانه‌ای با آن‌ها داشت. معلم با درک شرایط دانش‌آموزان روستا ساعات اولیه کلاس را به درس‌هایی مانند نقاشی و ورزش اختصاص می‌داده تا کمتر به درس بچه‌هایی که مجبور به تأخیر بودند لطمه وارد شود، به گفته فاطمه بیتوته معلم در روستا خیلی خوب بود و سبب می‌شد که وی بر خلاف سایر معلمان‌ش که دیر می‌آمدند و بعضی اوقات مجبور بودن زودتر بروند حتی در ساعات غیر اداری نیز به درس بچه‌ها توجه داشته باشد.

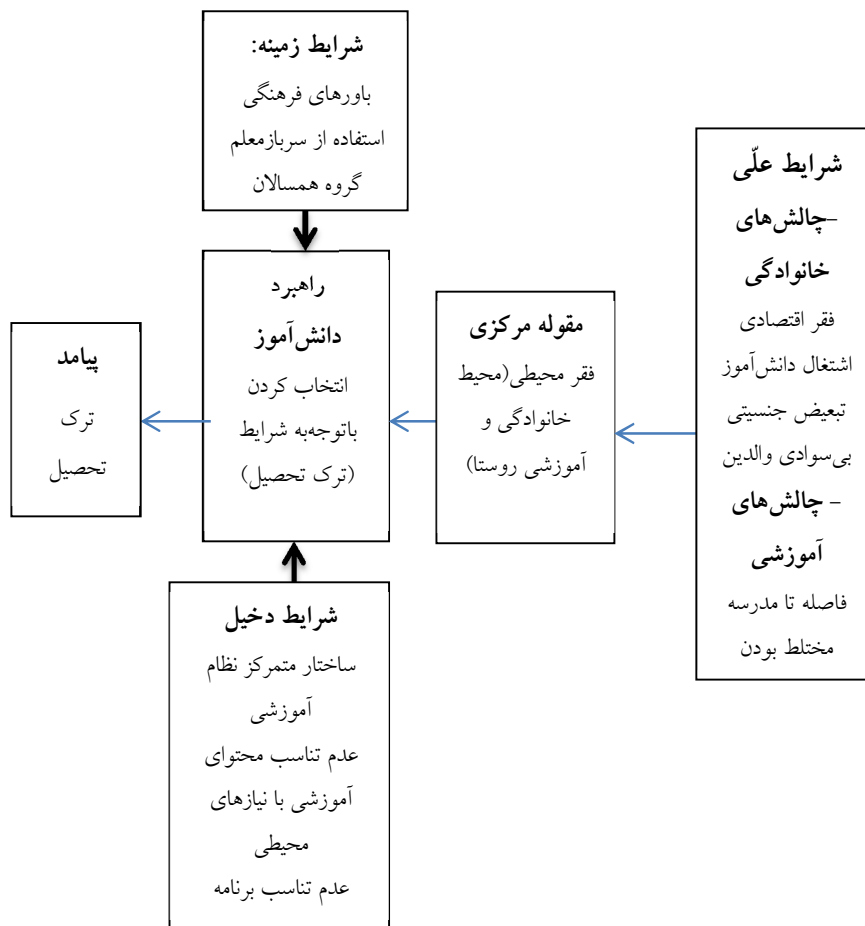
در سال ۱۳۸۶ فاطمه وارد پایه پنجم ابتدایی می‌شود در آن سال معلم وی یک سرباز معلم بوده است که به گفته فاطمه دیر به کلاس می‌آمده، در بیشتر مواقع سر کلاس درست درس نمی‌داده و در رفتارهایش با دانش‌آموزان تبعیض قائل می‌شده است. در آن سال



فاطمه دچار افت تحصیلی زیادی شده بود به طوری که در دو درس ریاضی و علوم تجربی در امتحانات خرداد ماه نمره قبولی را کسب نکرده و مجبور شده در شهریور ماه دوباره امتحان بدهد و با کمک مدیر مدرسه نمره قبولی را بگیرد.

فاطمه برای ادامه تحصیل در مقطع راهنمایی (متوسطه اول) دو گزینه پیش روی داشت. گزینه اول او مدرسه راهنمایی، مرکز بخش آن‌ها می‌باشد که به صورت مختلط بوده است. در ضمن مدرسه مذکور خوابگاه هم نداشته در نتیجه فاطمه باید برای زندگی به خانه برادرش که در آنجا بود می‌رفت، فاطمه خود تحصیل در این مدرسه و زندگی با برادرش را دوست داشته زیرا همسر برادر او (دخترعمویش)، رابطه خیلی خوبی با فاطمه داشته است، ولی پدر فاطمه چون مدرسه آنجا مختلط بوده مخالف ادامه تحصیل وی در آن مدرسه بوده و این امر را مایه بی‌آبرویی خانواده خود می‌دانسته است. انتخاب دوم فاطمه؛ مدرسه راهنمایی شبانه‌روزی روستای قومنجان بود که تا روستای آن‌ها پنجاه کیلومتر فاصله داشته است. برای تحصیل در آن مدرسه باید خانواده فاطمه هزینه رفت‌وآمد و اقامت در خوابگاه را می‌پرداختند که در نتیجه مانع از رفتن وی به این مدرسه نیز شدند؛ زیرا توان پرداخت این هزینه‌ها را نداشتند. فاطمه می‌گفت: "وقتی پایه پنجم دو درس تجدید شدم خودم هم ترسیدم که نتونم درس‌های راهنمایی رو قبول بشم. بقیه دخترای روستا هم بهم می‌گفتند: ما که درس خوندم به کجا رسیدیم که تو می‌خوای برسی، درس‌هایی که داخل مدرسه به ما می‌گند به درد زندگی ما نمی‌خوره، الان بری خیاطی و فرش بافی یاد بگیری بهتره تا بری مدرسه. وقتی این حرف‌ها رو می‌شنیدم و وضعیّت خانواده‌ام رو که نه توان پرداخت مخارج تحصیل، خوابگاه و سرویس من رو داشتن و نه می‌گذاشتن برم مدرسه آفریز (مدرسه مختلط) خونه برادرم بمونم چون داخل روستای ما این کار رو ننگ و بی‌آبرویی می‌دونستن که دختر بره داخل مدرسه مختلط که پسر نشسته درس بخونه، از طرفی پدر و مادرم هم می‌گفتن؛ در مدرسه چیز زیادی یاد نمی‌گیری که بدرد آینده‌ات بخوره، کم‌کم باید خانه‌داری و زندگی یاد بگیری که بتوانی شوهر کنی و درس خواندن برای دختر فایده‌ای ندارد، دختر که نباید خرج خانواده را بدهد او باید در خانه کار کنه. تصمیم گرفتم ترک تحصیل کنم و به مدرسه نرم."

با تحلیل روایت‌های دانش آموز روستا الگوی زیر به دست می‌آید:



شکل ۲. بازنمایی تحلیل روایت‌های دانش‌آموز روستا بر مبنای مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین (۱۹۹۰)

در ادامه به با توجه به مدل اشتروس و کوربین (۱۹۹۰) با تحلیل مشخص‌تر روایت‌های فاطمه؛ به علل ترک تحصیل او پرداخته می‌شود. در هر قسمت به طور مشخص نمونه‌هایی از روایت‌های فاطمه بیان شده و به تبیین روایت‌های فاطمه با توجه به نتایج تحقیقات پرداخته می‌شود.

### ۱.۳ شرایط علی

شرایط علی آن دسته از رویدادها و وقایع هستند که بر پدیده‌ها اثرگذارند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰). در تحلیل داده‌های پژوهش حاضر، شرایط علی منجر به وجود آمدن زمینه‌های می‌شود که فاطمه را ناچار به ترک تحصیل می‌کند.

#### ۱.۱.۳ چالش‌های خانوادگی

شرایط زندگی خانوادگی تأثیر زیادی در ترک تحصیل فاطمه داشته است. وضعیت اقتصادی نامناسب، اشتغال داشتن فرزند، تبعیض جنسیتی در خانواده و بی‌سوادی والدین از عوامل مهم و اساسی بودند که منجر به ترک تحصیل فاطمه شده‌اند:

**الف: فقر اقتصادی:** طبق آمار سالانه حدود ۱۰ درصد از دانش‌آموزان خانواده‌های کم‌درآمد در آمریکا از ادامه تحصیل منصرف می‌شوند (Englund et al, 2008). سپیدنامه و همکاران (۱۳۹۵) فقر اقتصادی خانواده‌ها در نواحی روستایی به‌عنوان یکی عوامل اصلی یا به عبارت دقیق‌تر میدان ترک تحصیل دانش‌آموزان روستایی می‌داند. یکی از عوامل مؤثر بر ترک تحصیل فاطمه فقر مالی خانواده او بود. به گفته وی:

"خانوادم از نظر مالی خوب نبودن، اونا توانایی پرداخت هزینه‌های مدرسه من رو نداشتن، وقتایی بود که پول کتابام رو نداشتن که خیلی دیر می‌بردم مدرسه."

"رفتن به مدرسه راهنمایی قومنجان هم خرج‌های خودش رو داشت، پول خوابگاه، رفت‌وآمد و کلی هزینه دیگه خوب اون وقتاً وضع مالیمون خوب نبود."

روستائیان به‌عنوان فقیرترین اقشار جامعه به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه که به دلیل شرایط سیاسی، اقتصادی - اجتماعی و همچنین وجود نابرابری‌های فضایی حاکم بر عرصه - های سکونتگاهی، سالیان متمادی با فقر و مشکلات زیست - معیشتی روبه‌رو بوده‌اند (شمس‌الدینی، ۱۳۸۹)

**ب: اشتغال دانش‌آموز:** یکی دیگر از عوامل مؤثر در ترک تحصیل دانش‌آموزان روستایی مهیا بودن زمینه شغلی و محیط کار برای افراد کم سن و سال در روستاها می‌باشد (ترکاشوند، ۱۳۷۶؛ نقل در اقدسی و زینال فام، ۱۳۹۱). به گفته فاطمه:

"مجبور بودم داخل خونه و کارهای کشاورزی به بابا مامانم کمک کنم، خواهر کوچیکام هم بیشتر وقتاً تنها بود و باید من ازش مراقبت می‌کردم، بابام می‌گف دیگه بزرگ شدی باید خونه کار کنی تا یاد بگیری."

ج) **تبعیض جنسیتی**: همچنین جوامع روستایی تابع سنت‌های رایج در فرهنگ محلی، نظام پدرسالاری و نقش‌های سنتی - جنسیتی هستند که نوعی نابرابری جنسیتی را بر آنان تحمیل کرده است (علی بیگی و همکاران، ۱۳۹۶). از طرفی در روستاها تبعیض جنسیتی تمایز آمیز بین تعلیم و تربیت دختران و پسران وجود دارد که این تمایز به زیان دختران تمام می‌شود و در این میان تحصیل پسران ارجعیت دارد (نیسی و جوانمردی، ۱۳۹۴).

"درس خوندن ناصر براشون (پدر و مادر) خیلی مهم بود. همش وسایل موردنیازش رو فراهم می‌کردن. درس من براشون مهم نبود می‌گفتن دختر باید خونه داری یاد بگیره، دختر که نمی‌خواد خرج زندگی رو بده."

د) **بی‌سوادی والدین**: تحصیلات والدین نقش مهمی در پیشرفت تحصیلی و نگرش به تحصیل دانش‌آموزان دارد (میر پناهی، ۱۳۹۵). گودا و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه خود نشان داد ترک تحصیل در نزد دانش‌آموزانی با والدین بی‌سوادی؛ چهار برابر بیش از والدین بچه‌های باسوادی است.

"پدر مادرم سوادی نداشتن، اون وقت که می‌گفتم بیاید مدرسه جلسه انجمن گذاشتن می - گفتن ما که سوادی نداریم بیایم که چی؟ چیزی نمی‌فهمیم."

"دختر همسایه‌ام الهام هم که درسش خوب بود مامانش سوادی داشت و همش توخونه (داخل خانه) کمکش می‌کرد من که مامانم اصلاً نفهمید کی ابتدایم تموم شد و باید برم راهنمایی."

### ۲.۱.۳ چالش‌های آموزشی

شرایط نظام آموزشی از دیگر عوامل مؤثر بر تحصیل دانش‌آموزان است (در اقدسی و زینال فام، ۱۳۹۱). فاصله زیاد تا مدرسه راهنمایی و مختلط بودن آن از دیگر عوامل مهمی بود که منجر به ترک تحصیل فاطمه شد.

الف) **فاصله تا مدرسه**: یکی از دلایل اصلی عدم ادامه تحصیل فاطمه، نبود مدرسه راهنمایی در روستای آن‌ها بود که وی را مجبور به رفتن به مدرسه راهنمایی مرکز بخش که حدود ۱۲ کیلومتر تا روستای او فاصله داشت و فاقد امکانات خوابگاهی بود یا رفتن به مدرسه شبانه‌روزی روستای قومنجان که آن‌هم حدود ۵۰ کیلومتر با روستایش فاصله داشت و هزینه رفت‌وآمد و خوابگاه را بر خانواده او تحمیل می‌کرد. به بیان فاطمه:

"روستای ما مدرسه راهنمایی نداشت یا باید می‌رفتیم مرکز بخش که اون هم خوابگاه نداشت، البته خونه داداشم اونجا بود ولی خب مامانم می‌گف همش که دُرُس نیس بری اونجا و یا باید می‌رفتم مدرسه قومنجان که اون هم فاصله‌اش تا روستای ما زیاد بود و خب خرج خود خوابگاه هم بود که پدرم گف ندارم بدم"

بلوچ زهی (۱۳۹۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که؛ فاصله زیاد محل زندگی تا تحصیل را یکی از عوامل مؤثر در ترک تحصیل دانش‌آموزان ابتدایی می‌باشد. رویی و همکاران (۲۰۰۹) یکی از علل ترک تحصیل دختران روستایی را فاصله تا مدرسه و خطرات راه مانند؛ تجاوز و دزدی بیان کردند.

**ب) مختلط بودن مدرسه راهنمایی:** وجود برخی از تعصبات خاص، سبب می‌شود والدین فرزندان خود را به‌ویژه دختران مناطق روستایی را به مدرسه نفرستند (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۵). حسینی (۱۳۷۵) یکی از مهم‌ترین دلایل محرومیت از تحصیل دختران روستایی را نبود فضای آموزشی مجزا برای آنان می‌داند (نقل در اقدسی و زینال فام، ۱۳۹۱). به بیان فاطمه:

"خودم دوس داشتم برم آفریز درس بخونم، راستش زن داداشم هم خیلی اسرار داش برم خونشون، ولی چون مدرسه راهنمایی آفریز مختلط بود بابام نداشت می‌گف این کار باعث بی‌آبرویی ما میشه. می‌گف تو این سن نباید دختر و پسر باهم باشن، به نظرم راس هم می‌گف."

### ۲.۳ مقوله مرکزی

مقوله مرکزی مضمون اصلی پژوهش است که اگرچه از درون پژوهش بیرون می‌آید اما یک مفهوم انتزاعی است (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر مرکز ثقل ترک تحصیل فاطمه، فقر محیطی (محیط خانوادگی و محیط آموزشی روستا) می‌باشد که شامل؛ فقر، بی‌سوادی، تبعیض، واداشتن دانش‌آموز به کار، فاصله زیاد تا مدرسه و مختلط بودن مدرسه می‌شود.

"خانوادم؛ خانوادم نداشتن درس بخونم، نمی‌گم شرایطش مهیا بود اون وقتاً خیلی وضعیّت مالی مون خراب بود."

"خانوادم براشون درس خوندن دختر مهم نبود اصلاً دختر به نظرشون باید خونه داری یاد می‌گرفت."

خانواده نخستین نهاد زندگی اجتماعی کودک است که در شکل‌گیری عادات، اندیشه‌ها، رفتار و دیدگاه‌های اجتماعی او نقش مهمی دارد (لاریجانی، ۱۳۹۳). شرایط خانوادگی تأثیر عمده‌ای بر تکامل فرد دارد و ارتباطات خانوادگی سایر جنبه‌های زندگی نوجوان از جمله تحصیل را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Byrne et al, 2002).

”پدرم می‌گف: می‌خواهی با درس خوندنت آبروی ما رو ببری. من هرگز نمی‌خوام ببری مدرسه‌ای که پسر و دخترها قاطی هستن (مختلط) مردم هزار حرف برامون در می‌آورن”  
”تا مدرسه قومنجان زیاد راه بود، راستش پدرم نداشت پول سرویس و خوابگاه من رو هم بده”

برخورداری یکسان همگان از آموزش و پرورش به‌منزله برخورداری از فرصت‌ها و خدمات برابر آموزشی می‌تواند نمایشگر یک نظام آموزشی برابر و باکیفیت مطلوب تلقی شود (توکلی و همکاران، ۱۳۹۰) بسیاری از صاحب‌نظران دلایل افت یا اتلاف در آموزش و پرورش را به کوتاهی نظام آموزشی ربط می‌دهند و خاطر نشان می‌کنند که ساخت و هدف نظام آموزشی نقش عمده در اتلاف منابع به‌صورت ترک تحصیل و تکرار پایه‌ی تحصیلی دارد (عارفی، ۱۳۸۲؛ نقل در اقدسی و زینال فام، ۱۳۹۱).

### ۳.۳ راهبردها

راهبرد به طرز عمل‌های عادی یا روتین و چگونگی مدیریت موقعیت‌ها توسط افراد اطلاق می‌شود که در مواجهه با مسائل و امور به کار می‌برند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰). فاطمه بر اساس یک سری عوامل دست به انتخاب می‌زند. از مهم‌ترین عوامل شرایط خانوادگی و مسائل محیطی اوست. به‌عنوان مثال می‌گوید: «چاره‌ای نداشتم تو اون شرایط خانوادم؛ وضعیّت مدرسه و حرف مردم بهترین راه ترک تحصیلم بود.» در میان گفته‌های او رد پای کمک گرفتن از دوستان و همسالان نیز به چشم می‌خورد: «وقتی بعضی روزا مدرسه نمی‌رفتم از الهام درسام رو می‌پرسیدم اون درسش خوب بود و کمکم می‌کرد».

به‌این‌ترتیب فاطمه با توجه به شرایط برای اینکه بتواند به تحصیل در ابتدایی پردازد در بعضی اوقات از دوستانش کمک می‌گرفته است، ولی برای تحصیل در مقطع راهنمایی که شرایطش را نداشته مجبور به ترک تحصیل می‌شود. ترک تحصیل روندی است که به‌مرور زمان شکل می‌گیرد. از این دیدگاه، علائم خطر برای دانش‌آموزانی که در معرض

ترک تحصیل قرار دارند، از سال‌های دبستان به چشم می‌خورد که یکی از معضلات آموزش در جهان است (بلوچ زهی و عبداللهی، ۱۳۹۵).

### ۴.۳ شرایط زمینه‌ای

مجموعه‌ای از شرایط که در یک مکان و زمان خاص جمع می‌شوند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود آورند که اشخاص با عمل و تعامل‌های خود به آن‌ها پاسخ می‌دهند شرایط زمینه‌ای نام دارد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰).

ترک تحصیل فاطمه در روستا به مجموعه‌ای درهم‌پیچیده از عوامل بستگی داشت که در این میان می‌توان به شرایط زمینه‌ای از جمله باورهای فرهنگی روستا، نقش معلم کلاس پنجم او و گروه همسالش که زمینه و باور را در او به وجود آوردند که درس خواندن او مفید نیست و در ایده خانواده او تأثیر گذاشته و منجر به ترک تحصیل وی شدند.

**الف: باورهای فرهنگی روستا:** زندگی روستایی همراه با نظام اجتماعی- فرهنگی مختص به خود، انزوای جغرافیایی و عدم تعاملات گسترده و ناآگاهی به محرومیت‌هایی منجر می‌شود. جوامع روستایی تابع سنت‌های رایج در فرهنگ محلی هستند (علی بیگی و همکاران، ۱۳۹۶). در روستا گاهی نگرانی از حرف و شایعات مردم، موجب منع فرزندان دختر از ادامه تحصیل می‌شود (فرضی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵). به بیان فاطمه:

"داخل روستای ما مردم به درس خواندن دخترا بها نمی‌دن. میگن دختر باید توخونه باشه جاش بیرون نیست، اگه می‌رفتم برا درس به مرکز بخش برامون هزار حرف درمی‌آوردن"

"مادرم می‌گف: تو هم مثل بقیه دخترای روستا؛ بسه درس خوندی کم کم باید مثل خواهرت رسم زندگی یادگیری"

**ب: استفاده از سرباز معلم:** روش برخورد معلم، روش تدریس و پیگیری او از عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان می‌باشد (فرضی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵). معلم یکی از مهم‌ترین عناصر برنامه درسی می‌باشد که تعاملات او با دانش‌آموزان موجب شکل‌گیری فرآیند یاددهی- یادگیری در کلاس درس می‌شود. در بعضی از مناطق روستایی برای جبران کمبود نیروی انسانی در امر آموزش از نیروهای سرباز معلم استفاده می‌شود که در برخی از موارد رشته تحصیلی آنها غیر مرتبط با امر آموزش است. در این میان توجه به امر گزینش و آموزش‌های بدو ورود آنها مهم تلقی می‌شود. به بیان فاطمه:

"معلم کلاس پنجم ما یه سرباز بود. اصلاً به درس دادن توجه نداشت و همش دیر می‌آمد و زود می‌رف؛ داخل مدرسه هم بیشتر ما رو می‌فرستاد بریم فوتبال، بین بچه‌ها فرق می‌داشت اصلاً به من که توجه نمی‌کرد، اون سال من دو درس رو افتادم (نمره نیاوردن) و مجبور شدم شهریور امتحان بدم، این افتادیم باعث شد خانوادم فکر کنن من درسم بلده و به درد مدرسه هم نمی‌خورم، راستش خودم هم کمی از درس زده شدم و همین فکر رو داشتم."

### ج) گروه همسالان

وابستگی دانش‌آموزان و تعاملات آنها با گروه‌های همسال در مدرسه از عوامل مهم در موفقیت تحصیلی می‌باشد (Farmer et al, 2003). به اعتقاد رام و رمبرگر (۲۰۰۸) یکی از عوامل مهم و مؤثر در ترک تحصیل دانش‌آموزان تعاملات با گروه همسالان می‌باشد. عقاید و رفتار گروه‌های همسال در مدرسه از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رفتار دانش‌آموزان است. به بیان فاطمه "بیشتر دوستانم می‌گفتن می‌خوایم درس بخونیم که چی بشه، آدم داخل مدرسه چیزی یاد نمی‌گیره". این بیان دوستان فاطمه در شکل‌گیری تصمیم او برای ترک تحصیل مؤثر بوده است.

## ۵.۳ شرایط دخیل

شرایط دخیل یا میانجی به‌منزله زمینه‌ساختاری وسیع‌تر مربوط به پدیده در نظر گرفته می‌شود که در جهت تسهیل یا محدودیت راهبردها عمل می‌کنند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰). در این پژوهش ساختار متمرکز نظام آموزشی به‌عنوان شرایط دخیل در ترک تحصیل فاطمه در نظر گرفته شد که خود شامل مؤلفه‌های مؤثری چون؛ عدم تناسب محتوای آموزش با نیازهای محیطی و عدم تناسب برنامه زمانی آموزش با شرایط دانش‌آموزان می‌باشد.

### ۱.۵.۳ ساختار متمرکز نظام آموزشی

از ویژگی‌های نظام آموزشی ایران که متأثر از سابقه فرهنگی، تاریخی و سیاسی کشور است؛ تمرکز گرایی می‌باشد، این ویژگی به‌عنوان یک چالش فرهنگی سد راه توسعه نظام آموزشی است (علاقه‌بند، ۱۳۹۴). نظام آموزشی متمرکز با رسالت‌های آموزش و پرورش در تضاد است زیرا چنین نظام‌هایی به علت اینکه تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها از بالا به



پایین اعمال می شود به تفاوت های فردی و محیطی دانش آموزان توجه نمی کند (طالبیان و تصدیقی، ۱۳۸۵).

الف) عدم تناسب محتوای آموزشی با نیاز محیطی

محیط روستا فرهنگ و نیاز خود را دارد. متأسفانه نظام آموزش کنونی یک محتوای ثابت را برای تمام دانش آموزان ارئه می کند و به ویژگی های محیطی و نیازهای جوامع مختلف توجهی ندارد. این خود زمینه ساز عدم کارایی نظام آموزشی می شود. به بیان فاطمه " دخترای روستا می گفتن ما که درس خوندیدیم به کجا رسیدیم که تو می خوای بررسی، درس - هایی که داخل مدرسه به ما می گن به درد زندگی ما نمی خوره، الان بری خیاطی و فرش بافی یاد بگیری بهتره تا بری مدرسه "

باید به این نکته توجه داشت که زمینه اشتغال دانش آموزان در جوامع مختلف متفاوت است و آموزش و پرورش با درک این مهم باید خود را برای تمرکز زدائی آموزشی آماده کند. یکی از عوامل مهم عدم کارایی نظام آموزشی توجه نکردن به نیازهای واقعی دانش - آموزان با توجه به محیط زندگی آنها می باشد.

ب) عدم تناسب برنامه زمانی مدرسه در روستا

یکی از دلایل ترک تحصیل دانش آموزان روستایی اشتغال به کار آنها در روستا می باشد (اقدسی و زینال فام، ۱۳۹۱). آموزش و پرورش باید این مهم را با توجه به شرایط روستا بپذیرد و خود را با تغییرات رویه های آموزشی جهت انطباق با این واقعیت ها هماهنگ کند. در روستاها در فصول خاصی والدین به کمک فرزندان نیاز دارند که آموزش و پرورش می تواند به تفویض اختیاراتی به دوایر زیرمجموعه خود در زمینه تنظیم ساعات آموزشی متناسب با شرایط منطقه ای از افت تحصیلی و بعضاً ترک تحصیل دانش آموزان جلوگیری کند. به بیان فاطمه " من و بیشتر دوستانم مجبور بودیم در اواخر زمستان و فصل بهار که زمان دوشیدن شیر گوسفندان و شیر دادن به بره و بزغاله ها هست به پدر و مادرمون کمک کنیم و با تأخیر به مدرسه بریم " یا در جایی دیگر می گفت " آقای کریم پور (معلم سال سوم و چهارم فاطمه) برای اینکه به درس ما که تأخیر داشتیم کمتر لطمه بخوره ساعات های اول کلاس رو ورزش و نقاشی می گذاش "

### ۶.۳ پیامدها

پیامدها بیانگر نتایج تعامل‌ها و راهبردها است و تحت تأثیر شرایط مربوط به آن‌ها قرار دارد (محمدپور، ۱۳۹۱: ۳۲۹). در پژوهش حاضر پیامد راهبردی است که فاطمه با توجه به شرایط خانوادگی و محیطی خود خواسته یا ناخواسته انتخاب می‌کند. تمام عوامل یادشده در روایت او سبب می‌شود که فاطمه از ادامه تحصیل در مقطع راهنمایی (نظام آموزشی قبل از سال ۱۳۹۱) منصرف شود. به بیان فاطمه:

"خودم خیلی دوس داشتم درس بخونم، دوس داشتم تقدیرم رو بهتر رقم بزنم خب ولی نشد. وقتی برمی‌گردم به خاطرات گذشتم می‌بینم من مجبور بودم ترک تحصیل کنم؛ خانوادم پول کافی نداشت، داخل خونه باید کمک می‌کردم، فاصله خونه تا مدرسه‌ام زیاد بود، می‌رفتم مدرسه مختلط آبروم می‌رف، تأخیرهام برای آمدن به مدرسه و سرباز معلم سال پنجم باعث شد تجدید بشم، راستش الان هم جو روستا همینه"

### ۴. نتیجه‌گیری

با تحلیل روایت‌های دانش‌آموز ترک تحصیل کرده دریافتیم که اصلی‌ترین مقوله در روایت‌های او از ترک تحصیل فقر محیطی که تحت تأثیر شرایط و عوامل خانوادگی، آموزشی و محیطی در روستا شکل می‌گیرند، می‌باشد. در نتیجه بافت خانوادگی و نظام آموزشی تأثیر گسترده‌ای در این فرآیند دارند. باورهای فرهنگی و استفاده از سرباز معلم جهت آموزش در مدرسه نیز از عوامل زمینه‌ساز در ترک تحصیل بوده و در باور به عدم کفایت آموزشی دانش‌آموز نقش مهمی داشته است.

در واقع نتایج این تحقیق تایید کننده مفاد پارادایم «دانستن در عمل» است و اصول پارادایم «عقلانیت فنی» یا «اثبات گرایانه» را ساده انگارانه می‌داند. در پارادایم عقلانیت فنی موقعیت عملی موقعیت پیچیده‌ای در نظر گرفته نمی‌شود و مسائل عملی مسائل ساده‌ای در نظر گرفته می‌شوند که سعی می‌شود با نسخه‌های تجویز شده توسط متخصصان از بروز آن جلوگیری شود. اما در پارادایم عقلانیت فنی، موقعیت پیچیده در نظر گرفته می‌شود و سعی می‌شود با استفاده از تفکر و تأمل در عامل یا عاملان درگیر در عمل به حل مسائل پرداخته شود (امین خندقی و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به این مطلب باید نظام آموزشی با بررسی

میدانی عوامل به چاره جویی و رفع مشکلات برآید و نسخه‌های تجویز شده از بالا به پایین برای تمام نواحی و مناطق آموزشی پاسخگو نیست.

از مهم‌ترین عوامل ترک تحصیل فاطمه می‌توان به مسائل خانوادگی و عدم توان پرداخت هزینه‌های آموزشی او را نام برد. این یافته با نتایج پژوهش‌های فارمرو همکاران (۲۰۰۳)، رام و رمبرگر (۲۰۰۸)، سپید نامه و همکاران (۱۳۹۵) و اقدسی و زینال فام (۱۳۹۱) همخوانی دارد. به اعتقاد چویی و کالرو (۲۰۱۸) باید دولت‌ها هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم تحصیل را برای خانواده‌ها کاهش دهند و به گسترش برنامه‌های کمک هزینه تحصیلی دانش‌آموزان بپردازد. در این زمینه باید نظام آموزشی زمینه‌های ادامه تحصیل دانش‌آموزان روستایی در مقاطع بالاتر را فراهم آورد و به حمایت‌های اقتصادی از دانش‌آموزان مناطق روستایی که دسترسی به مدرسه در محل زندگی خود را ندارند و نیاز به زندگی در خوابگاه و پرداخت هزینه‌های جانبی هستند، بپردازد.

یکی از چالش‌هایی که فاطمه را مجبور به ترک تحصیل کرد مرتبط با چالش‌های نظام آموزشی در مناطق روستایی بود که از آن جمله می‌توان به فاصله زیاد تا مدرسه راهنمایی جهت ادامه تحصیل و مختلط بودن مدرسه راهنمایی اشاره کرد. که با یافته‌های پژوهش‌های سپید نامه و همکاران (۱۳۹۵) و اقدسی و زینال فام (۱۳۹۱) همخوانی دارد. در این زمینه نیز باید نظام آموزشی کشور به باورهای فرهنگی و دینی توجه بیشتری داشته باشد.

از دیگر عوامل مؤثر در ترک تحصیل فاطمه و اعتقاد او و خانواده‌اش به عدم استعداد تحصیلی او، با توجه به تجدید شدن وی در پایه پنجم ابتدایی به علت استفاده از نیروی غیر تخصصی (سرباز معلم) در امر آموزش بوده است. با توجه به جست و جوی محققین در این زمینه پژوهش زیادی جهت تایید یافته به جز پژوهش سپید نامه و همکاران (۱۳۹۵) یافت نشد. به اعتقاد انگلند و همکاران (۲۰۰۸) کیفیت معلم و رابطه او با دانش‌آموز از عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان می‌باشد. همچنین باورهای روستائیان در زمینه عدم اشتغال افراد تحصیل کرده روستایی در زمینه تحصیلی خود و عدم کارکرد سواد از عوامل مؤثر در ترک تحصیل فاطمه بود که با یافته‌های پژوهش اقدسی و زینال فام (۱۳۹۱) همخوانی دارد.

از عوامل مؤثر در افت تحصیلی و در نهایت ترک تحصیل فاطمه که به متمرکز طراحی شدن نظام آموزشی کشور و عدم توجه به نیازها و ویژگی‌های محیطی برمی‌گردد می‌توان به عدم تناسب برنامه زمانی مدرسه و محتوای آموزشی با توجه به شرایط و نیازهای

روستائیان اشاره کرد. در این زمینه فرضی زاده و همکاران (۱۳۹۵) بیان می‌دارند که تناسب اندک مطالب آموزشی مدارس با نیازهای افراد در زندگی روزمره از عوامل مهم عدم علاقه به تحصیل است. افراد نیاز دارند درباره نحوه زندگی کردن، نحوه سازگاری با دیگران و سایر مهارت‌های اجتماعی و حتی نحوه انجام امور ویژه اجتماع محلی خود مانند زراعت، دامداری، ماهیگیری و باغداری آگاهی بدست آورند. یکی از دلایل موثر در افت و ترک تحصیل دانش‌آموزان فعالیت‌هایی نظیر کشاورزی که مستلزم زمان و فصل خاصی است، می‌باشد (فان، ۲۰۱۰؛ نقل در سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۵). در این زمینه باید نظام آموزشی کشور با شکستن تمرکزگرایی خود زمینه توجه بیشتر به نیازهای ویژه دانش‌آموزان در مناطق جغرافیایی مختلف را فراهم آورد.

به طور کل با توجه به مقوله مرکزی فقر محیطی مناطق روستایی که خود ناشی از عوامل فرهنگی، اقتصادی و آموزشی بوده؛ زمینه‌ساز ترک تحصیل فراگیران این مناطق می‌شود. در بُعد محیطی عواملی چون فقر اقتصادی مناطق روستایی، چالش‌های خانوادگی دانش‌آموزان در این مناطق و باورهای فرهنگی روستائیان از نمود بارزتری برخوردار است. در این زمینه نظام آموزشی و به طور کل دولت‌ها باید زمینه فقرزدایی در تمام ابعاد فرهنگی و اقتصادی را در روستاها به وجود آورند و نهادهای حاکمیتی با دادن یارانه‌های هدفمند در زمینه آموزش به دانش‌آموزان روستایی این چالش‌ها را برطرف کنند. اما در بُعد آموزشی باید زمینه تمرکززدایی در امر آموزش و فراهم آوردن شرایط آموزشی متناسب با هر منطقه فراهم آورده شود که متأسفانه در این بُعد توجه خوبی به این مسئله نشده است و از جمله بارزترین نمودهای این عدم توجه استفاده از نیروهای غیر تخصصی در امر آموزش این مناطق (سرباز معلم و نیروهای حق‌التدریس) و عدم توجه به نیازهای آموزشی فراگیران این مناطق با توجه به شرایط محیطی آنان می‌باشد.

ترک تحصیل یک دانش‌آموز عوامل مختلفی دارد که نمی‌توان با تجویز یک نسخه کلی به درمان تمام موارد پرداخت در این باره توجه همه جانبه به عوامل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مشکل ترک تحصیل را باید در بستر آن بررسی کرد نه در حاشیه، در این پژوهش سعی شد با بررسی روایت‌های یک دانش‌آموز ترک تحصیل کرده به بررسی معضلات او که هم‌اکنون نظام آموزشی کشور ما با آن درگیر است پرداخته شود. امیدواریم نتایج این یافته که برخاسته از متن جامعه است به حل اینگونه معضلات کمک کرده باشد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. برزگر: کسی که در زمین کشاورزی شخصی کار می‌کند و در پایان سال درصدی از محصول را می‌گیرد.
۲. کلاس چندپایه: کلاسی که با حضور دانش‌آموزان دو یا چندپایه‌ی تحصیلی که با تدریس یک معلم و در یک اتاق (کلاس) درس تشکیل و اداره می‌شود.
۳. بیتوته: شب ماندن درجایی، اقامت معلم در طول هفته در روستا
۴. کلاس مختلط: تحصیل همزمان دانش‌آموزان دختر و پسر در یک کلاس

## کتاب‌نامه

- اشتراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۰). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینهای. مترجم؛ ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- اقدسی، علی نقی و زینال فام، افسانه (۱۳۹۱). عوامل محیطی و اجتماعی موثر بر ترک تحصیل (بازماندگان از تحصیل) دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهرستان میاندوآب در سال تحصیلی ۸۹-۹۰. فصلنامه علوم تربیتی، ۵(۱۷): ۱۱۳-۱۳۰.
- امینی فسخودی، عباس (۱۳۸۹). تحلیلی بر وضعیت رفتارهای فرهنگی در نواحی روستایی کشور. پژوهش‌های روستا؛ ۱(۳): ۵۳-۸۲
- آقایی میدی، فروغ (۱۳۹۲). پیش‌درآمدی بر مطالعه روایت و روایت پژوهی. کهن‌نامه ادب پارسی، ۴(۲): ۱-۱۹.
- بلوچ زهی، عبدالغفار و عبداللهی، حسین (۱۳۹۵). عوامل موثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان دوره ابتدایی استان سیستان بلوچستان و ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از آن در سال تحصیلی ۹۵-۹۴. اولین کنگره ملی توانمندسازی جامعه در حوزه جامعه‌شناسی علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- بلوچ زهی، عبدالغفار (۱۳۹۵). شناسایی عوامل موثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان دوره ابتدایی و ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از آن در استان سیستان بلوچستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- توکلی، مرتضی؛ فاضل‌نیا، غریب؛ زارعی، یعقوب و نیک‌آریا، مهران (۱۳۹۰). ارزیابی برخی از شاخص‌های ابعاد نابرابری منطقه‌ای در ایران. فصلنامه روستا و توسعه؛ ۱۴(۱): ۱۰۱-۱۱۷.
- رستمعلی‌زاده، ولی‌اله؛ قاسمی‌اردهانی، علی و رستمی، نیر (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر ماندگاری جوانان روستایی مطالعه موردی: شهرستان اهر. پژوهش‌های روستایی؛ ۴(۳): ۵۰۵-۵۳۴.

- سپیدنامه، بهروز؛ مؤمنی، حسن و سلیمان‌نژاد، محمد (۱۳۹۵). شناسایی دلایل ترک تحصیل دانش‌آموزان مقطع ابتدایی منطقه آموزش و پرورش موسیان (نواحی روستایی). توسعه محلی (روستایی - شهری)؛ (۱)۸: ۱۶۸-۱۹۸.
- شمس‌الدینی، علی و گرجیان، پروین (۱۳۸۹). عوامل موثر بر مهاجرت روستائیان به شهرها، با تأکید بر شبکه مهاجرت (مورد دهستان رستم دو). چشم انداز جغرافیایی؛ (۱۱)۵: ۷۵-۸۸.
- عطاران، محمد و عبدلی، مصطفی (۱۳۹۱). فرهنگ یادگیری مدرسه عشایر کوچ رو: روایت‌های یک معلم. فصلنامه مطالعات برنامه درسی. (۲۵)۷: ۴۵-۶۴.
- علی بیگی، امیر حسین؛ افشار، نسرين و شاهمرادی، مهنا (۱۳۹۶). مطالعه کیفی مسائل و مشکلات دختران روستایی دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه. زن در توسعه و سیاست؛ (۱)۱۵: ۶۳-۸۴.
- علی بیگی، امیر حسین و حیدری حسین (۱۳۹۴). بررسی نگرش والدین به ادامه تحصیل دختران روستایی مطالعه موردی: روستاهای شهرستان سنقر و کلیایی. پژوهش‌های روستایی؛ (۳)۶: ۵۹۳-۶۱۲.
- فرضی زاده، زهرا؛ طالب، مهدی و متوسلی، محمود (۱۳۹۵). بررسی موانع تحصیل دختران روستایی (پژوهش کیفی). فصلنامه تعلیم و تربیت؛ ۱۲۹: ۱۱۵-۱۳۴.
- کرسول، جان (۱۳۹۶). پوشش کیفی و طرح پژوهش انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قوم‌نگاری و مطالعه موردی). ترجمه حسن دانایی فرد و حسین کاظمی. تهران: انتشارات صفار.
- لاریجانی، محمد معتمد (۱۳۹۳). نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر تهران. روان‌شناسی تربیتی؛ (۳۱)۱۰: ۲۱۱-۲۲۲.
- مقیمی، سیدمحمد؛ خنیفر، حسین؛ زروندی، نفیسه؛ جوکار، احمد؛ بیان معمار، سیداحمد و فرجی ارمکی، اکبر (۱۳۸۹). مطالعه و بررسی رابطه بین عوامل آموزشی و افت تحصیلی در میان دانش‌آموزان پسر آموزشگاه‌های راهنمایی. مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام آموزشی؛ (۴)۳: ۱۴۴-۱۶۰.
- میرپناهی، لیلا (۱۳۹۵). بررسی تاثیر سطح سواد والدین بر یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی شهر ایلام. فصلنامه مطالعات علوم تربیتی و روان‌شناسی؛ (۲)۲: ۲۲-۳۰.
- نیسی، خدیجه و جوانمردی، منوچهر (۱۳۹۴). بررسی شاخص‌های توسعه انسانی با تأکید بر تبعیض و نابرابری جنسیتی در نواحی روستایی. زن و فرهنگ؛ (۲۵)۷: ۱۰۷-۱۱۷.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۹۴). مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی. تهران: نشر روان.
- طالبیان، محمد حسن و تصدیقی، محمد علی (۱۳۸۵). مشکلات فراروی ساختار تعلیم و تربیت ایران در هزاره سوم و راهکارهای آن. دانش و پژوهش در علوم تربیتی؛ (۱)۹: ۹۹-۱۱۹.

- Bahat S. (2003). Rural Industrialization Through Small Enterprises. presented at WASME 14th international conference, September
- Bhumiail A & Sampa P. (2005). Development of Rural Women through Education and Empowerment, Delhi, Abhijeet Pub
- Byrne BA., Haddock CK., Poston SC. (2002). Mid American Heart Institute. Parent-ing Style and adolescent smoking. *Journal of Adolescence*; 6(30), 418-425.
- Calero, J., & Choi, Á. (2017). The distribution of skills among the European adult population and unemployment: A comparative approach. *European Journal of Education*, 52(3), 348–364.
- Choi Á, Calero J. (2018) Early School Dropout in Spain: Evolution During the Great Recession. In: Malo M., Moreno Mínguez A. *European Youth Labour Markets*. Springer, Cham, 143-156.
- Clandinin, D.J. & Connelly, F.M. (2000). *Narrative inquiry: Experience and story in qualitative research*. San Francisco: Jossey-Bass. CA
- Day, J. C., & Newburger, E. C. (2002). The big payoff: Educational attainment and synthetic estimates of work-life earnings (U.S. Census Bureau, Current Population Reports, No. P23–210). Washington, DC: U.S. Government Printing Office.
- Englund M M, Egeland B & Collins W A (2008). Exceptions to High School Dropout Predictions in a Low-Income Sample: Do Adults Make a Difference?. *Journal of Social Issues*; 64(1), 77-93.
- Farmer T W, Estell D V, Leung M C, Trott H, Bishop J , Cairns B D (2003). Individual characteristics, early adolescent peer affiliations, and school dropout: an examination of aggressive and popular group types. *Journal of School Psychology*; 41, 217-232.
- Gouda M, Sateesh, Sekher T.V. (2014). Factors Leading to School Dropouts in India: An Analysis of National Family Health Survey-3 Data, IOSR. *Journal of Research & Method in Education*; 4(1), 75-83.
- Iachini A L, Rogelberg S, Terry J D & Lutz A (2016). Examining the Feasibility and Acceptability of a Motivational Interviewing Early Intervention Program to Prevent High School Dropout. *Children & School*; 38(4), 209-217.
- Iachini A L, Rogelberg S, Terry J D & Lutz A. (2016). Examining the Feasibility and Acceptability of a Motivational Interviewing Early Intervention Program to Prevent High School Dropout. *Children & Schools*; 38(4), 209-217.
- Kabeer, N. (2011). Between affiliation and autonomy: Navigating pathways of womens empowerment and gender justice in rural Bangladesh. *Development and Change*, 42(2), 499- 528.
- McCleary-Sills, J., Hanmer, L., Parsons, J., & Klugman, J. (2015). Child marriage: A critical barrier to girls schooling and gender equality in education. *The Review of Faith & International Affairs*; 13(3): 69-80.
- Mohd A S, Afa D M. (2014). A Study of Drop-out rate in Primary Schools of Poonch District of Jammu and Kashmir. *International Journal of Multidisciplinary Research and Development*, 1(7): 226-230.

- Quiroga C V, Janosz M, BissetSh& Morin A J S.(2013). Early Adolescent Depression Symptoms and School Dropout: Mediating Processes Involving Self-Reported Academic Competence and Achievement. *Journal of Educational Psychology*; 105(2), 552-560.
- Ream R K & Rumberger R W(2008). Student Engagement, Peer Social Capital, and School Dropout Among Mexican American and Non-Latino White Students. *Sociology of Education* ; 81(4), 109-139.
- Roby J L, Lambert M & Lambert JM. (2009). Barriers to girls education in Mozambique at household and community levels: An exploratory study. *International Journal of Social Welfare*; 18(4), 342- 353.
- Şahin Ş, Arseven Z, Kılıç A. (2016). Causes of Student Absenteeism and School Dropouts. *International Journal of Instruction*; 9(1), 78-93.
- Salamon S( 2003) *Newcomers to Old Towns: Suburbanization of the Heartland Chicago, IL*: University of Chicago Press.
- Sateesh Gouda M, Sekher T.V. (2014). Factors Leading to School Dropouts in India: An Analysis of National Family Health Survey-3 Data, IOSR. *Journal of Research & Method in Education*; 4(6), 75-83.
- Scheref L.(2008). Disavowed: The stories of two novice teachers 'Teaching and Teacher Education. 24(5), 1317-1332.
- Sewell J. E. (2006). Barriers to higher education for Australian rural students. *Rural Social Work and Community Practice*, 10(2), 23-27.
- Shahidul S M, Zehadul Karim A H M. (2015). FACTORS CONTRIBUTING TO SCHOOL DROPOUT AMONG THE GIRLS: A REVIEW OF ITERATURE. *European Journal of Research and Reflection in Educational Sciences*; 3(2), 254-272.
- Sperandio J. (2011). Context and the gendered status of teachers: Womens empowerment through leadership of non-formal schooling in rural Bangladesh. *Gender and Education*, 23(2), 121-135.
- Webster L & Mertova P(2007). *Using Narrative Inquiry as a Research Method*. Routledge: NewYor.